

ذات را خودش کند لذا خودش بالامی رود واومی شود).

(جنات درجات دارد تا آن جا که می فرماید ”وادخلی

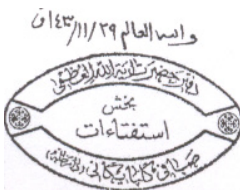
جنتی“، که این جنت، جنت ذات است).^۱

بسم الله الرحمن الرحيم. شرکت در چنین جلساتی

حرام و موجب گمراهی و غضب خدای متعال است،

و هر مکلفی علاوه بر این که نباید خودش شرکت کند

باید دیگران را نیز آگاه کند تا گمراه نشوند.



بسمه تعالی. شرکت در این قبیل جلسات (با

توجه به مراتب فوق الاشعار) که باعث اضلال مؤمنین

و مؤمنات می گردد جایز نیست.

علی صافی گلپایگانی.



رموز محرم الحرام ۱۴۳۰

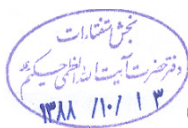
۱.. مدارک مطالب فوق به ترتیب: ۱ تا ۶: داوود صمدی آملی، شرح نهایی

الحکمة، صفحات: ۱۲۴؛ ۱۱۵؛ ۱۱۰-۱۱۱؛ ۱۱۵؛ ۴۷؛ ۸۶؛ ۷) آداب سالک

الی الله، صمدی آملی، ۷۹.

فصل پنجم: نظرات برخی بزرگان در مورد «وحدت وجود» | ۱۴۱

بسمه تعالی. السلام علیکم ورحمة الله و برکاته.
شرکت در این جلسات حرام است. و تمام این مطالب
باطل است. و اعتقاد به آن کفر روشن و خروج از دین
است. و هر کس معتقد به وحدت وجود باری تعالی
با ما سوی الله بشود از توحید خارج شده، و لا دین
است...



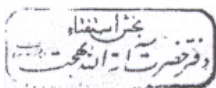
۲۴۰-۱۱-۱ خاص: ۵۱۸

وحدت وجود گاه به معنای... وحدت مصداق
وجود است به این معنا که در عالم هستی وجودی
جز خدا نیست و همه چیز عین ذات اوست. این
سخن مستلزم کفر است و هیچ یک از فقهای آن را قبول
نکرده‌اند.



۸۸/۸/۸

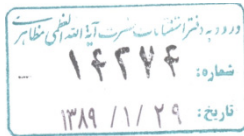
بسمه تعالی. شرکت در این جلسات بالخصوص
برای جوانان و مبتدی‌ها جایز نیست. بالخصوص
برای تأکید است نه اختصاص.



بسمه تعالی. جلساتی که این نوع بحثها مطرح می شود شرکت در آنها برای افراد ناوارد جایز نیست مگر فردی که بتواند پاسخ این نوع اندیشه باطل را بدهد و چنین فردی نادر است.

والله العالم. جعفر سبحانی
۲۸ ذی قعدة الحرام
۱۴۳۰ ۸/۲۴-۲۶۵۴
بسمه تعالی

بسمه تعالی. کلیه مطالبی که نوشته اید خلاف اسلام است...



... اگر چه شکی در حرمت شرکت در مجالس مذکور برای عموم، خاصه جوانان عزیز نیست (مگر برای افراد معدودی که اولاً کاملاً اطمینان از ثبات ایمان خود داشته باشند و برای رفع شبهات و اثبات بطلان آنها باشد). لکن تنها فتوا به حرمت شرکت در مجالس مذکور و شرکت ننمودن افراد در آنها کافی نیست، بلکه بستن این مجالس، و ممنوع نمودن انعقاد

فصل پنجم: نظرات برخی بزرگان در مورد «وحدت وجود» | ۱۴۳

آنها قانوناً لازم است، و ممنوع نمودن انعقاد این مجالس قانوناً و شرعاً اگر از ممنوع نمودن شرابخانه‌ها و مبارزه با بیحجابی یا بدحجابی و امثال آنها لازم‌تر نباشد کمتر نیست، خاصه آن که اینگونه افکار خرافی و باطله باعث سوء استفاده دشمنان مکتب امامت و ولایت خاصه وهابیت، در نسبت دادن شیعه به کفر و نجاست می‌گردد....

محمد باقر بن عبد الله الشیرازی^۱



استفتا از علما و مراجع تقلید در مورد مطالب مکتب تفکیک میرزای اصفهانی بدون هرگونه تقطیع مخّل به معنا سلام علیکم لطفاً بیان فرمایید که تعلیم و تعلم مطالب ذیل به عنوان معارف مکتب قرآن و اهل بیت (علیهم‌السلام) چه صورتی دارد:

(۱) هیچ وجودی جز وجود خدا نیست. و خدا از وجود خودش به اشیا می‌دهد. (۲) خداوند تعالی هیچ موجودی جعل نمی‌کند، و گرنه تحدید ذات خودش لازم

۱. مجله نورالصادق، ش ۱۴ - ۱۵ / ۲۰۲.

می‌آید. (۳) اشیا تعینات خدایند. (۴) در عالم به هیچ وجه شرک نمی‌باشد، چرا که وجود نور است، و هیچ وجودی جز وجود خدا نیست، لذا شیطان و شمر هم دارای نور وجود و نور ولایت می‌باشند. (۵) وجود اشیا به جعل و فعل و تاثیر خداوند نمی‌باشد. بلکه اشیا، مانند تقوم صفات به موصوفات، به خدا متقومند. (۶) کمالات اشیا (وجود و علم و قدرت آن‌ها) با خدا هم سنخ بوده، و اشراقات ذاتیه او می‌باشد. و عدم سنخیت بین خالق و مخلوق تنها از جهت تعینات مخلوقات، و لاتعینی خدا می‌باشد. (۷) جز وجود خدا هیچ وجودی نیست، و ذات خدا به ذات خود ظاهر است، لذا فقط به خودش، و بدون واسطه یافته و شناخته می‌شود. و استدلال عقلی بر وجود خدا، خدای واقعی را نشان نمی‌دهد. (۸) هر گونه استدلال و علمی که از راه تصوّر و تصدیق باشد باطل و ضلالت بوده، و طریقه مجانین است. و باید تنها از راه کشف و شهود و تجرید و جدا شدن از تفکر و تعقل به واقع رسید.^۱

۱. مدارک مطالب را قبلاً آوردیم.

بسمه تعالی. تعلیم و تعلم این گونه مطالب موجب

انحراف و ضلالت است.

۱۴۳۰ / ۶ / ۲۲ ق



باسمه تعالی. مطالب مذکوره مخالف شریعت اسلام

و تعالیم قرآن و اهل بیت علیهم السلام می باشد.



۱۴۳۰ / ۲۸ / ۲۷
۱۳۸۸ / ۳ / ۳۱ م

فتوای اول: باسمه جلت اسماءه. تمام این سؤالات

اصلش اعتقاد به وحدت وجود است...

۱۴۳۰ / ۲۸ / ۲۷
الموجود



فتوای دوم: باسمه جلت اسماءه. اگر مراد این است

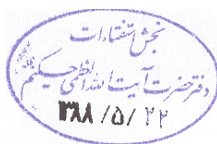
که خدا از وجود خودش به اشیا می دهد، لازم می آید

که خدا ناقص شود. و اگر مراد این است که همان وجود

خدا، وجود سایر اشیا است، این وحدت موجود است
 زایدا بر وحدت وجود که محی الدین عربی گفته است
 و آن را فلاسفه هم کفر دانسته‌اند چه رسد به علما.
 چنانچه مراد از عدم جعل خدا موجودی را، قدم
 سایر موجودات است آن هم کفر است، و اگر مراد این
 است که اشیا تعینات خدایند آن هم وحدت موجود
 است... اعتقاد به سنخیت خداوند با ماسوای او هر
 چه باشد باطل است.

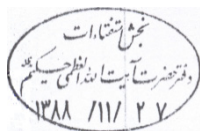


فتوای اول: باسمه تعالی. السلام علیکم ورحمة الله
 وبرکاته. تمام این گفته‌ها بی‌اساس و شیطانی است،
 و آدم مسلمان و متعهد خودش را از این گونه حرف‌ها
 دور نگه می‌دارد.



فتوای دوم: باسمه تعالی. السلام علیکم ورحمة الله
ووبرکاته

مطالب مذکوره باطل و از خرافات و جعلیات
بشر است و باید تمام معارف حقه را از طریق قرآن
با تفسیرهایی که از اهل بیت علیهم السلام بیان شده است
اخذ نمود و هر راهی که غیر از روش ائمه علیهم السلام باشد
گرایش باطل است و شرکت در این گونه جلسات گمراه
کننده که موجب ترویج عقاید فاسده است حرام است
و امید آنکه خداوند همه را از گزند این گونه انحرافات
نجات دهد.



فتوای اول: اکثر این مطالب با معارف قرآن کریم و
اهل بیت علیهم السلام مغایرت واضح دارد و مخالف آیات و
روایات معتبره است و باید از این افکار و آرای منحرف
جدا پرهیز کرد، بلکه این مطلب همان وحدت وجود
و موجود باطل می باشد که مستلزم انکار خالق و
خالقیت می باشد.

فتوای دوم: ... آن چه قبلا از دفتر قم صادر شده با توجه به مطالب نقل شده در سؤال بوده است و نه راجع به صحت انتساب آن به امثال ایشان [میرزا مهدی اصفهانی].



(تذکر: البته مراجع محترمی که مطالب ایشان را از نزدیک دیده اند قاطعانه صحت انتساب را هم تأیید نموده اند).

بسمه تعالی. سلام علیکم. غالب تعبیراتی که در این نامه آمده است مخالف قرآن مجید و احادیث رسول خدا ﷺ و اهل بیت علیهم السلام عصمت و طهارت می باشد...



بسمه تعالی. هشت مورد که در بالا آمده، ردیف ۱ تا ۳ اصول مشترک همه صوفیان است که خودشان را عارف می دانند. پنج ردیف دیگر، مبانی ادعائی محی

الدین بن عربی (جاده صاف کن کفار در جنگ های اندلس، جنگ های صلیبی، و حمله مغول - رجوع کنید به جلد اول و دوم محی الدین در آئینه فصوص) می باشد. کسی که به ردیف های هشت گانه بالا معتقد باشد، یا پیرو محی الدین است، و یا مبانی او را به نام خود ارائه می دهد. مرتضی رضوی

مرتضی رضوی

بسمه تعالی. آن چه در بالا آمده است مطالب صحیحی نیست و ظاهر بعضی از تعبیرات آن برخلاف صریح قرآن مجید است که برای اثبات وجود خدا به موجودات جهان آفرینش و اسرار آن ها استدلال می کند.

نام کاظم الموسوی
تاریخ: ۸۸/۳/۹
شماره: ۳۸۶۹۰
موضوع: اسلام

حضرت آیت الله شیخ حسین وحید خراسانی در عین این که شخص میرزا مهدی اصفهانی را مخالف فلاسفه می دانند اما می گویند:

بنده در درس مرحوم میرزا مهدی اصفهانی بودم و دیدم که ایشان همان حرف‌های فلاسفه را می‌زنند، به مرحوم شیخ هاشم قزوینی که در کنار ایشان نشسته بودم گفتم: ایشان که همان حرف‌های فلاسفه را می‌زنند! ایشان گفتند: آخر درد ما هم همین است! نیز ایشان فرمودند:

حرف میرزا مهدی اصفهانی در حدوث اسمای نوریه مثل نور علم و نور عقل، با حرف فلاسفه متحد است. حضرت آیت الله شیخ محمد رضا جعفری قدس سره فرمودند: مکرراً از مرحوم آیت الله سید محمد روحانی شنیدم که مرحوم کمپانی فرمودند: میرزا مهدی اصفهانی همان مطالب فلاسفه را به عنوان مطالب مخالف فلسفه تحویل می‌دهد.

۱. این مضمون متواتراً از ایشان نقل شده، نمونه‌ای از آن را در کتاب: حضرت آیت الله شبیری زنجانی، جرعه‌ای از دریا، ۵۴۲، و: بحرینی، سید مجتبی، ما سمعت ممن رأیت، ۴۲۳، و: خرازی، سید محسن، روزنه‌هایی از عالم غیب ۲۳۱، ببینید.

نتیجه مناظره با تفکیکیان پیرو میرزای اصفهانی در شهر

مقدس قم

آقای سیدان: این حرف‌ها در این صورت مطرح نشود و تدریس نشود و تبلیغ کردن این‌ها صحیح نیست... در مجموع، قسمتی از مطلب که در تقریرات آمده است... عبارات، ظهور، بلکه فوق ظهور دارد، بلکه قسمتی از عبارات نصّ است در مطالبی که به نظر من نادرست است... به نظر من این‌ها باطل است، من اشکال دارم به این عبارات و این عبارات باطل است به نظر من... بلکه صراحت دارد در معنایی که نادرست است... یا همان معانی دیگران است و یا این که غیر آن است که باز هم باطل است.

دیگری از تفکیکیان: خواسته ما همین است.

آقای محمد بیابانی در دفاع از مکتب تفکیک گفتند: این بحث‌هایی که در همین تقریرات مطرح شده، یک مبانی دارد که در تمام شاگردان ایشان همین مبانی حاکم بوده... در آن مبانی شما مشکل دارید و واقعاً اگر کسی در این مبانی اشکال کند معلوم می‌شود که خودش

در توحید و معرفت الله مشکل دارد... و کسی که غیر
این حرفی که در این جا گفته شده بگوید از معرفت دور
است، توحیدش درست نیست! و بحث های دیگری.
و آقای سیدان در ردّ ایشان گفتند: که از جمله خود
بنده هستم!

کوشش نافرجام تفکیکیان

برخی از تفکیکیان بعد از صدور فتاوا، با کوشش بسیار خواستند
مراجع محترم را از فتاوی خود برگردانند، و نزد ایشان ادعا کردند
که کلمات تقطیع شده است، ولی مراجع محترم که قبل و بعد
مطالب را ملاحظه فرمودند نه تقطیع مخّل را پذیرفتند، و نه از
فتاوی قبلی خود برگشتند. و هیچکدام نگفتند که مطالب میرزا
غیر از مطالب فلاسفه و عرفا است! بلکه برخی مراجع به شدّت
ایشان را توبیخ، و از مکتب سازی نهی کردند، و دیگران یا مانند
حضرت آیت الله روحانی در نهایت از نسبت مطالب به شخص
میرزا اظهار بی اطلاعی کردند، و یا مانند حضرت آیت الله وحید
میگویند میرزا مسلّم مخالف وحدت وجود بود اما حرفهای
خودش همان حرفهای فلاسفه است [همان طور که قطعاً آخوند

۱. برای دیدن بحث های تفصیلی بنگرید به کتاب «مناظره با تفکیکیان».

فصل پنجم: نظرات برخی بزرگان در مورد «وحدت وجود» | ۱۵۳

خراسانی مخالف جبر است اما حرفهایش همان حرفهای جبریهها است [و یا مانند حضرت آیت الله سیستانی و حکیم می‌گویند که ما مطالب مورد سؤال را گفته‌ایم که مخالف مکتب اهل بیت و باطل و وحدت وجود است و انتساب به قائل آن را کاری ندارند.

شمشیر کجست راست کند قامت دین را ...

السلام على السيف الشاهر، والقمر الزاهر، والنور الباهر،

اللهم احى بوليک القرآن، وارنا نوره سرمداً

| نمایه ها |

اعلام

الف:	اصفهانی، محمد حسین (کمپانی):
ابن عربی: ۲۲، ۲۳، ۳۸، ۳۹، ۴۲، ۲۵، ۱۵۰	
۶۰، ۶۴، ۶۵، ۶۸، ۷۱، ۷۴، ۷۶	آفرودیت: ۵۵
۱۰۹، ۱۳۴، ۱۴۶، ۱۴۹	افلاطون: ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵
ابن ملجم: ۸۳	افلاکی، شمس الدین محمد:
ابوبکر: ۴۳، ۶۶، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۶۳، ۶۴	
۷۶، ۷۴	آگوستینوس: ۵۵
ابوصلاح حلبی: ۱۶	انصاری، مرتضی: ۱۶
ابوطالب: ۷۴	اوشو: ۴۹
ابوعبیده بن الجراح: ۷۴	ب:
ابوعلی سینا: ۴۳، ۵۰	بحرینی، سید مجتبی: ۱۵۰
آخوند خراسانی: ۱۵۳	برنجکار، رضا: ۹۴، ۹۵
ارسطو: ۱۱، ۵۰، ۵۱، ۵۲	بروجردی، سید حسین: ۱۲۹
اروس: ۵۲، ۵۵	بهراری، حاج شیخ محمد: ۹۷
استعلامی، محمد: ۶۲، ۸۳	بهایی (شیخ بهایی): ۱۲۸

- بهبهانی، محمد علی: ۱۳۵
 بهجت، محمد تقی: ۱۳۰، ۱۳۱
 بیابانی، محمد: ۱۵۱
 پ:
 پال رسل: ۵۴
 ت:
 تفضلی، ابوالقاسم: ۶۳
 تهرانی، جواد: ۹۰
 ج:
 جعفری، محمد تقی: ۱۳۲، ۱۳۳
 جعفری، شیخ محمد رضا: ۱۵۰
 جواد آملی، عبدالله: ۲۵، ۲۶، ۲۹، ۳۰، ۱۰۹، ۱۱۰
 جواهر لعل نهرو: ۵۵
 ح:
 حافظ: ۸۲
 حسن زاده آملی، حسن: ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۹، ۳۰، ۳۸
 ۴۲، ۶۰، ۸۲، ۸۴، ۱۰۹
 حسینی تهرانی: ۲۴، ۹۸
 حکیم، سید محمد سعید: ۱۴۱
 ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۵۳
 حلبی، محمد: ۸۹، ۹۰، ۹۲، ۹۴، ۹۸
 حلی (علامه حلی): ۱۶، ۱۱۹
 ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۳۷
 حیدری، سید کمال: ۲۹
 خ:
 خرازی، سید محسن: ۱۵۰
 خواجه محمد پارسا: ۴۲
 خواجه نصیرالدن طوسی: ۱۶، ۱۱۹، ۱۳۷
 خویی، سید ابوالقاسم: ۱۳۴، ۱۳۵
 د:
 دیونیزوس: ۵۲
 ذ:
 راوندی، قطب الدین: ۴۵، ۱۲۸
 رضوی، سید عابد: ۱۱
 رضوی، مرتضی: ۱۴۹

روجی، شمس الدین محمد: ۲۴ شیرازی، محمد باقر بن عبدالله: ۱۴۳

روحانی، محمد صادق: ۱۴۵، شیروانی: ۳۴

۱۵۲، ۱۵۰، ۱۴۶

ص:

صاحب الزمانی، ناصرالدین: ۶۴

صافی گلپایگانی: ۱۴۵

صدر، سید محمد باقر: ۱۳۱

صدوق: ۱۱۹

صمدی آملی، داوود: ۲۸، ۲۹، ۱۴۰

ط:

طباطبایی، محمد حسین: ۸۲،

۸۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸،

۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳،

۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸،

۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳

طلحه: ۷۴

طوسی: ۱۱۹

ع:

عبد الرحمن بن عوف: ۷۴

عثمان: ۴۳، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۶

ز:

زبیر: ۷۴

س:

سای بابا: ۴۹

سبحانی، جعفر: ۱۴۲

سبزواری، ملاهادی: ۳۱، ۵۹، ۶۰

سقراط: ۵۰، ۵۲، ۵۴

سوگماد: ۴۹

سیدان، سید جعفر: ۱۵۱، ۱۵۲

سیستانی، سید علی: ۱۴۸، ۱۵۳

ش:

شبستری: ۲۵، ۳۹، ۸۳

شیری زنجانی: ۱۵۰

شمس تبریزی: ۲۴، ۲۷، ۶۰، ۶۱

۶۲، ۶۳

شوشتری، سید علی: ۹۶، ۹۷، ۹۸

- عشاقی، حسین: ۲۷
- قزوینی، شیخ هاشم: ۱۵۰
- عطارنیشابوری، شیخ فرید الدین: ۵۹
- قیصری: ۲۲، ۱۳۴
- علی احمدی، سید قاسم: ۱۳۵
- ک:
- عمر بن خطاب: ۴۲، ۴۳، ۶۶
- کربلایی، آقا سید احمد: ۹۷
- کسار، جواد علی: ۱۱۰
- ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶
- عمر بن عبد العزیز: ۴۳، ۷۶
- ل:
- عمر و عاص: ۷۱
- لاهیجی: ۲۴
- غ:
- م:
- غرویان، محسن: ۸۴
- متوکل: ۴۳، ۷۶
- ف:
- علامه مجلسی: ۱۶، ۱۱۹، ۱۲۹
- فارابی: ۵۰
- محمی الدین ابن عربی
- فاضل مقداد: ۱۶
- مرتضی رازی: ۱۶، ۱۱۹
- فرانسیس بیکن: ۵۵
- مسیحا برزگز: ۴۸
- فضل بن شاذان: ۱۱
- مطهری، مرتضی: ۳۰، ۱۳۴
- فعالی، محمد تقی: ۴۹، ۵۰
- مظاهری، حسین: ۱۴۲
- معاویه: ۷۱، ۷۶
- ق:
- مفید (شیخ مفید): ۱۶، ۱۱۹
- مقدادی: ۲۸
- قاضی تبریزی، حاج میرزا علی
- مکارم شیرازی، ناصر: ۱۴۱، ۱۴۹
- آقا: ۹۷، ۱۰۹

ملاصدرا: ۲۴، ۲۹، ۳۱، ۵۶، ۵۹،	هـ:
۱۰۹، ۹۲	هدایتی: ۵۵
ملکی، محمد باقر: ۹۴	هرودت: ۵۵
ملکی تبریزی، میرزا جواد: ۹۷	هشام بن الحکم: ۱۱
مولوی: ۴۲، ۶۰، ۶۱، ۶۳، ۸۲، ۱۳۰	هلن: ۵۱
مهتّا (سید مهتّا): ۱۲۷	همدانی، آخوند ملا حسینقلی: ۹۸
میرزا ابوالحسن اصطهباناتی: ۱۲۹	ی:
میرزای اصفهانی: ۱۴، ۲۱، ۸۷،	یزدی، سید محمد کاظم: ۱۳۵
۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۳، ۹۵، ۹۶،	یزید: ۷۷
۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۴۳، ۱۴۸،	
۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲	

ن:

نجفی مرعشی: ۱۲۹
نخودکی اصفهانی، حسنعلی: ۲۸
نعمت اللهی شیرازی، رحمت
علی شاه: ۹۶

و:

وحید خراسانی، حسین: ۱۳۰،
۱۴۹، ۱۵۲
ویل دورانت: ۵۲

فمايه كتب

الف:	بداية الحكمة: ٣٤، ٨١، ١٠٣،
أواى توحيد: ١٠٩	١٠٥، ١٠٦، ١٠٧، ١١٠، ١١١،
الإحتجاج: ٣٢، ٣٦	١١٣، ١١٨، ١٢٢، ١٢٣
ابواب الهدى: ٩١، ٩٢، ٩٣، ١٠٠	برهان هاى صديقين: ٢٧
أجوبة المسائل المهنية: ١٢٨	بشارة المصطفى: ٤٧
إختيار معرفة الرجال: ٤٥	ت:
آداب سالک إلى الله: ١٤٠	تاريخ تمدن: ٥٢
اسفار: ٢٢، ٣١، ٥٧، ٦٠، ٨١،	تاريخ هرودت: ٥٥
١٠٥، ١٠٩، ١١٠، ١١٨، ١٣٠	تجريد الاعتقاد: ١٦
أفتاب وسايه ها: ٤٩، ٥٠	تحرير تمهيد القواعد: ٢٩، ٣٠
الهي نامه: ٨٢	تذبيلات إحقاق حق: ١٢٩
انسان كامل: ١٣٣، ١٣٤	ترجمه وشرح بداية الحكمة: ٣٤
انوار الهداية: ٩١	تقريرات: ٨٩، ٩٠، ٩٥، ٩٦، ١٥١
أنه الحق: ٢٦، ٢٧	تقرير دروس سيد كمال حيدرى:
ب:	١١٠
بحار الأنوار: ١١، ٣٢، ٣٦، ٣٧، ٤٥،	تنزيه المعبود في الرد على وحدة
١٢٩، ٨٤، ٤٧	الوجود: ١٣٥

رسائل توحیدی: ۸۴	التوحید: ۳۷، ۶۱، ۱۱۰
رسالة القرآن: ۱۱۰	توحید الإمامیة: ۹۴
روح مجرد: ۲۴، ۶۴	تیمائوس: ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴
روزنه‌هایی از عالم غیب: ۱۵۰	ج:
س:	جرعه‌ای از دریا: ۱۵۰
السلسبیل: ۱۲۹	جمهوری: ۵۳، ۵۴
سماع درویشان در تربت مولانا: ۶۳	چ:
ش:	چشم و چراغ مرجعیت (ویژه‌نامه مجله حوزه): ۱۲۹
شرح الاشارات: ۳۴	خ:
شرح خواجه محمد پارسا: ۴۲	الخرائج والجرائح: ۱۲۸
شرح عروة الوثقی: ۱۳۱	خیراتیہ: ۱۳۵
شرح قیصری بر فصوص الحکم:	خیر الأثر در رد جبر و قدر: ۸۴
۲۲، ۲۳، ۴۲، ۱۳۴	د:
شرح گلشن راز: ۲۴	دیوان شمس: ۶۲
شرح نهاية الحکمة: ۲۸، ۲۹، ۱۴۰	ز:
شرح نهج البلاغه: ۱۳۵	راز بزرگ: ۴۹
ص:	رد بر ارسطو در توحید: ۱۱
صحیفه سجادی: ۶۳	الردّ علی الفلاسفه: ۱۱
صد همجنس باز مشهور: ۵۴	

ط:

طرائق الحقائق: ۹۶

ع:

عارف و صوفی چه می گویند: ۹۰

عروة الوثقی: ۱۳۵

علی بن موسی الرضا و الفلسفة

الإلهیة: ۲۵، ۲۶

عیون أخبار الرضا (ع): ۳۷، ۸۴

ف:

فایدروس: ۵۱، ۵۳

فتوحات: ۲۲، ۴۳، ۶۴، ۶۶، ۶۷

۶۸، ۶۹، ۷۱، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶

۷۷، ۱۰۹، ۱۱۰

فصوص الحکم: ۲۲، ۲۳، ۳۹

۴۰، ۴۳، ۶۶، ۷۴، ۱۰۹، ۱۱۰

فرائد الاصول: ۱۷

ق:

قوانین: ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴

ک:

کافی: ۱۵، ۳۲، ۳۶، ۳۷، ۴۵، ۶۷

کشف الحق و نهج الصدق: ۱۲۷

کلیات دیوان شمس تبریزی: ۲۴

کنکاشی در تبار فلسفه یونان: ۱۱

گ:

گلشن راز: ۸۳

ل:

لب الباب: ۹۶، ۹۸

م:

مآثر آثار: ۲۵، ۲۹

مبانی خداشناسی در فلسفه یونان

وادیان الهی: ۹۴، ۹۵

مبدأ اعلی: ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳

مثنوی، تصحیح: ۶۲، ۸۳

مجله معارف: ۲۴

مجموعه آثار: ۳۰

محمی الدین در آیینہ فصوص: ۱۴۹

مسند احمد: ۶۷

مشاعر: ٢٤ نهاية الحكمة: ٨١، ٨٢، ١٠٣،

معارف القرآن: ٨٩ ١٠٥، ١٠٦، ١٠٧، ١٠٨، ١٠٩،

معارف الهية: ٨٩، ٩٠، ٩١، ٩٢، ١١٠، ١١١، ١١٢، ١١٣، ١١٤،

٩٩، ٩٤ ١١٥، ١١٦، ١١٧، ١١٨، ١١٩،

معرفت نفس: ٩١، ٩٢ ١٢٠، ١٢١، ١٢٢، ١٢٣،

مفاتيح الغيب: ٣١ نهج البلاغة: ٣٥، ٦٣،

مقالات: ٢٧، ٦١، ٦٢ نهج الحق: ١٢٧،

ممد الهمم: ٢٣، ٢٥، ٣٠، ٣٨، و:

٧٤، ٦٠ وحدت ازدیدگاه عارف و حکیم:

مناقب العارفين: ٦٣، ٦٤ ٢٢، ٢٦

من الخلق إلى الحق: ٢٩

مناظره با تفکیکیان: ١٥٢

منهاج البراعة در شرح نهج البلاغة:

١٣٤

مهمانی: ٥٥

ن:

نشان از بی نشان ها: ٢٨

نوادراوندی: ٤٥

نورالصادق (مجله): ١٣٠، ١٣١،

١٤٣

برخی آثار نویسنده که تاکنون به چاپ رسیده است:

معرفة الله تعالى بالله، لا بالأوهام الفلسفية والعرفانية؛ نقدی
بر خداشناسی فلسفی و عرفانی، و آرائه مبانی عقلی و وحیانی
توحید | عربی.

أصول المعارف الإلهية وإبطال الأوهام البشرية؛ بیان اصول و
مبانی خداشناسی بصورت مختصراً عربی.

الإعلان عن اسرار الفلسفة والعرفان؛ نقدی مختصر بر مبانی
فلسفه و عرفان | عربی.

فرائد از عرفان؛ بیان مبانی صحیح خداشناسی، و نقدی بر
مبانی فلسفه و عرفان.

نگاهی به فلسفه، عرفان، کلام؛ شناخت اجمالی از اصول و
مبانی اصلی فلسفه، عرفان و کلام.

سراب عرفان؛ نقدی بر مبانی خلاف عقل و شرع عرفان و تصوف.
مناظره با تفکیکیان؛ نقدی بر مبانی مکتب تفکیک میرزا مهدی
اصفهانی، به همراه گفتگو و مناظره با آقایان سیدان، برنجکار، بیابانی.

رساله در نقد فصوص ابن عربی، شیخ محمود حلبی؛ با مقدمه
و تعلیقات انتقادی حسن میلائی.

چرا مرا آفریدند؟!؛ کتابی در عدل الهی، و چرایی آفرینش.
نقدی بر اندیشه‌های دکتر محمد صادقی طهرانی؛ نقدی بر
اندیشه‌های حسبناکتاب الله، و بی‌نیازی قرآن از اهل بیت علیهم‌السلام.
کدامین سیر و سلوک؟!؛ نقدی بر مدعیان سیر و سلوک، و کارهای
خلاف عقل و شرع ایشان.

وحدت یا توحید؟!؛ نقدی بر نظریه وحدت وجود (چاپ این
کتاب به اتمام رسیده و بزودی با اضافاتی تحت عنوان «نقد و
بررسی نظریه وحدت وجود» به چاپ خواهد رسید ان شاء الله).

هنگامی که خلفای بنی امیه و بنی عباس برای معارضه با
 مکتب معارف نورانی اهل بیت (علیهم السلام) اندیشه های بیگانه را
 وارد اسلام کردند امامان معصوم (علیهم السلام) و اصحاب بزرگوار
 ایشان به مبارزه با آنان قیام نمودند و افرادی چون
 هشام بن حکم و فضل بن شاذان و... کتاب های "رد بر
 ارسطو در توحید" و "رد علی الفلاسفه" و... را نوشتند.
 متکلمان مجاهد و نستوه شیعی پیوسته راه ایشان را
 ادامه دادند، اما گروهی دیگر مبانی یونانیان بت پرست را
 پذیرفتند و به تأویل نادرست عقاید و حیانی و تطبیق
 آن ها بر افکار ایشان پرداختند.
 در این مجال به بررسی اجمالی مبانی و عقاید فلاسفه
 - که همواره مطالب عقل خود را، عقل و برهان نام
 نهاده اند- می پردازیم.

